

ارزش‌های روان‌شناختی در نقاشی کودکان

ابوالفضل عطاران

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی - قم

مقدمه

به‌راستی زنگ هنر و نقاشی در مدارس ما چه وضعی دارد و با آن چگونه برخورد می‌شود؟ دیدگاه اولیای دانش‌آموزان نسبت به نقاشی چیست و چه میزان به آن اهمیت می‌دهند؟ مهم است که بدانیم آیا زنگ نقاشی و هنر در ردیف کم‌اهمیت‌ترین ساعت‌ها و فرصت‌ها به حساب می‌آیند و بعضاً ساعتی برای گذراندن وقت در مدرسه‌اند، یا این که

به نکاتی در فرایند تشخیص ویژگی‌ها و مشکلات فردی و تصمیم‌گیری برای ارجاع یا اقدام دست یابند.

فواید و ارزش‌های نقاشی

توجه به ارزش‌های روان‌شناختی هنر به طور عام و نقاشی به طور خاص، و اثرهای فردی و جمعی آن دارای پیشینه‌ای دیرین است و میراثی گرانبها از نظریات صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت دارد. در این میان، نقاشی را می‌توان وسیله‌ای برای بیان عواطف، گرایش‌ها، آرزوها، نگرانی‌ها و تعارضات و نیز زمان نقاشی کردن را لحظاتی برای احساس آرامش و کاستن از هیجانات به شمار آورد. نقاشی کودکان را وسیله‌ای برای تشخیص و ارزیابی ویژگی‌ها و مشکلات شخصی، روشی برای درمان و تجربه‌ای هنری برای احساس رضایتمندی و تکامل فردی نیز می‌دانند. این همه از طریق بیان احساسات واقعی و تمایلات پنهان، و به سبب ابراز

معلمان و اولیای دانش‌آموزان فعالیت‌های هنری و ترسیمی کودکان و نوجوانان را تشویق می‌کنند و زمان کافی و مناسب به آن اختصاص می‌دهند؟

آیا آن قدر که خانواده‌ها درباره‌ی مرتب کردن دفاتر و وسایل مورد نیاز درس‌هایی مثل: املا، فارسی و ریاضی دقت می‌کنند، به ابزار و امکاناتی که فراهم آورنده‌ی اوقاتی جذاب و سودمند برای کودکان است، توجه دارند؟

به منظور تأکید بر تأثیر و سودمندی زنگ نقاشی و فعالیت‌های ترسیمی دانش‌آموزان و پرهیز از کم‌توجهی یا ساده‌نگری نسبت به آن، در این مقاله به اختصار ارزش‌های روان‌شناختی نقاشی را دسته‌بندی می‌کنیم. براساس بخشی از این ارزش‌ها، ضروری به نظر می‌رسد که وقت و زمان نقاشی کودکان را مغتنم بشمریم و از فواید آن بهره‌مند شویم. علاوه بر این، معلمان و مشاوران آگاه و متخصص می‌توانند از بررسی شکل و تحلیل محتوای آثار ترسیمی، ضمن رعایت احتیاط،

و برون‌ریزی عواطف و هیجان‌ها امکان‌پذیر است.

هم‌چنین از نقاشی برای سنجش توانمندی ذهنی کودکان استفاده می‌شود. به عبارت دیگر «غالباً وجوه زندگی کودک در بازی یا نقاشی ظاهر می‌شود.» (جویدیت و برایان، ترجمه صدرالسادات و همکاران، ۱۳۷۷، ص ۸۱)

از دیدگاه پیاژه نیز نقاشی چیزی در حد فاصل بازی و تصویر ذهنی است که کودک به واسطه آن دنیای واقعی خود را باز‌نمایی می‌کند. (توماس و سیلکر، ترجمه مخبر، ۱۳۸۰، ص ۸۰)

کاربردهای نقاشی حتی شامل کودکان دچار محرومیت حسی، معلولیت ذهنی و اختلال در زمینه سازش با محیط زندگی نیز می‌شود. «نقاشی برای کودکان عقب افتاده، یا کروز لال یا کودکان عصبی، وسیله بیان بسیار مؤثری است.» (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۶، ص ۷۲)

برای استفاده از فواید و ارزش‌های نقاشی باید «کودک بتواند آزادانه به بیان بپردازد. در این میان نقاشی خانواده، به ویژه، به کودک امکان می‌دهد تا تمایلات واپس زده به ناخودآگاه خویش را فراق‌کنی کند و از این طریق از احساسات واقعی خود نسبت به بستگانش به راحتی سخن بگوید.» (کرمن، ترجمه نقایبان، ۱۳۷۲، ص ۱۵)

کودک در نقاشی «موجودیت خود و دیگران یا چگونگی احساس زیستن خود و دیگران را فراق‌کنی می‌نماید.» (منبع پیشین، ص ۱۵)

ارزش‌های بیانی نقاشی

با مطالعه و جمع‌بندی برخی متون اختصاصی به نظر می‌رسد که ارزش‌های بیانی نقاشی را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد:

۱- نیاز طبیعی در خدمت رشد و تکامل انسان

نقاشی را از آن جهت که راهی برای بیان خود و خویشتن است، یک نیاز طبیعی می‌دانند و پاسخ‌گویی به آن قبل از هر چیز به رشد و تکامل فرد کمک می‌کند. این موضوع اختصاص به نقاشی ندارد و رشته‌های هنری مختلف را در بر می‌گیرد. «داستان، موسیقی، شعر، نمایش، نقاشی و بازی، شیوه‌های خلاق و سازنده‌ای اند که کودکان در قالب آن‌ها احساس و آرزوهای خود را بیان می‌کنند و با جهان خود ارتباط برقرار می‌سازند.» (مختاری، ۱۳۷۷، ص ۱۳)

برخی اندیشه‌های تربیتی برآن‌اند که نقاشی اثر تکاملی و آموزشی دارد. «از پایان قرن نوزدهم به بعد، بعضی متخصصان تعلیم و تربیت به این باور رسیدند که بیان هنرمندانه می‌تواند نقش مهمی در تکامل و آموزش کودکان ایفا کند. اعتقاد این است که حدیث نفس در هنر برای تکامل شخصی و عاطفی سالم ضرورت دارد.» (توماس و سیلکر، ترجمه مخبر، ۱۳۸۰، ص ۴۱)

نقاشی نیز همانند بسیاری از رشته‌های هنری دیگر، نیاز به تربیت و پرورش دارد و در صورت برخوردار شدن کودک از مراقبت‌ها، هدایت‌ها و امکانات مورد نیاز، تأثیر آن در رشد و رضایت فردی دو چندان خواهد بود. کودک گاهی می‌تواند به نقاشی آزادانه یا از قبل تعیین شده بپردازد و گاهی نیز مناسب است مربیان و متولیان تربیت و آموزش کودکان مقدماتی را برای این فعالیت فراهم سازند. به عنوان مثال، ابتدا کودک به تماشای یک منظره، یک شغل یا یک وسیله برود و بعد آن را ترسیم کند. «برای پرورش ذوق یک کودک، غیر از وسایل لازم، کارهای ابتکاری نیز ضروری است، مثلاً گردش در باغ یا پارک به پرورش ذهن کودک کمک فراوانی می‌کند. کودک را باید عادت داد که قبل از شروع نقاشی فکر کند، بعد هر چه به نظرش می‌رسد، بکشد. بایستی کودک را تشویق کرد و اعتمادش را جلب کرد تا در یابد هر چه می‌کشد زیبا و جالب است. زیرا خلاقیت نیز مانند سایر قابلیت‌های انسان از تمرین و ممارست

رشد و تحولات ذهنی کودک و

ارتباطات آموزشی با بزرگسالان

سبب تحولاتی در ترسیم

تجسم‌های کودکان می‌گردد. آن‌ها

غالباً به کپی کردن واقعیات پیرامون

اقدام نمی‌کنند، بلکه به کشیدن

آن‌چه در ذهن دارند، می‌پردازند.



متفاوت از کامل بودن تعیین می‌شود. این موضوع نشان دهنده میزان رشد ترسیم کننده و مـ لاکـی بـرای سنجش تحول ذهنی کودک است. از حدود ۵ - ۴ سالگی به بعد، علاوه بر تغییر در شکل خطوط (مثلاً رسم خطوط منحنی یا زاویه دار) و توجه بیش تر به تعداد و موقعیت جزئیات ترسیم، نقاشی های کودکان به تدریج واقع گرایانه تر شده، از خود محوری و اندیشه محوری فاصله می گیرند. آگاهی های آنان از وجود عناصر محیطی و پیرامونی افزایش یافته، آن ها را در نقاشی های خود لحاظ می کنند.

مطابق با الگوی مراحل رشد نقاشی کودکان از نظر لوکه (LOCKH) «کودکان در سنین ۱۸ ماهگی در نقاشی هایشان شروع به خط خطی کردن و لذت بردن از آن نموده، در سال دوم حلقه های متداخل و فنی شکل را رسم می کنند. به طور تقریبی، در آغاز سال چهارم، نقاشی ها وارد مرحله ای خاص می شوند که تا ۹ - ۱۰ سالگی ادامه دارد. این دوره را رئالیسم هوشمندانه می نامند. رشد و تحولات ذهنی کودک و ارتباطات آموزشی با بزرگسالان سبب تحولاتی در ترسیم تجسم های

مایه می گیرد. در تربیت هنری هنرمند، اولین قدم به سوی هدف، خوب نگریستن، خوب فکر کردن و خوب عمل کردن با حداقل امکانات است.» (مقدسی، ۱۳۷۲، ص ۲۳)

به همه کودکان باید فرصت داد تا در مدت زمان کافی، با علاقه و تمایل شخصی و استفاده از وسایل و ابزار مناسب به نقاشی کردن بپردازند. البته در بین آنان کودکانی هستند که سطح آمادگی یا استعداد فطری بالاتری دارند و مهیا بودن شرایط به شکوفای شدن استعداد این کودکان می انجامد. در عین حال شکوفایی استعدادها و ارائه کارهای هنری خارق العاده، انتظار نخست نیست، بلکه شکل گیری احساس مطلوب و رضایتمندی درونی در مسیر رشد و تکامل هر فرد، مهم ترین ارزش است.

۲- ارزیابی رشد ذهنی کودک و آزمون هوش

نقاشی کودکان عادی در گذر زمان و در جریان رشد و تحول ذهنی، مراحل پیشرونده و تکمیلی را طی می کند. از دیدگاه علمی برای نقاشی های هر یک از کودکان درجاتی

کودکان می‌گردد. آن‌ها غالباً به کپی کردن واقعیات پیرامون اقدام نمی‌کنند، بلکه به کشیدن آن‌چه در ذهن دارند، می‌پردازند.» (مقدسی، ۱۳۷۲، ص ۲۱)

در واقع تلفیقی هنرمندانه و هوشمندانه از واقعیت پیرامونی و شناخت در حال رشد کودک صورت می‌پذیرد که در همه کودکان یکسان نیست. شماری از کودکان نیز در مهارت‌های ترسیمی ساده و ابتدایی تثبیت شده، به این مرحله نمی‌رسند. در نقاشی کودکان طبیعی معمولاً به هماهنگی حواس لامسه و بینایی، قدرت دید و تجسم فضایی برتر، تطابق اشیا در زمینه و نقش، تطابق موارد جزء با کل، ترکیب بندی، هماهنگی نقاط و خطوط، استفاده وسیع از رنگ‌ها، خیال‌پردازی، توجه به محیط و... بر می‌خوریم. در حالی که نقاشی کودکان عقب مانده ذهنی فاقد این ویژگی‌هاست. به طور معمول، اکثر آنان از نقاشی کردن احساس عجز و ناتوانی نموده، رغبت و انگیزه برای ثبت مواردی که در اطرافشان است، ندارند.» (منبع پیشین، ص ۳۲). به تعبیری دیگر، «اختلاف معنی‌داری بین طرز کشیدن نقاشی کودکان با هوش و عادی با بچه‌های غیرعادی وجود دارد. برای مثال در ۶ سالگی بچه‌های عادی برای خانه سقف و دیوار و پنجره نصب می‌کنند، در حالی که بچه‌های ۶ ساله عقب مانده هنوز نقاشی‌هایشان به شیوه خط خطی است و در بهترین حالات، سقف خانه‌ها را حذف و خانه‌ها را بدون پنجره ترسیم

می‌کنند.» (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۶، ص ۵۴). در زمینه اندازه‌گیری رشد ذهنی با استفاده از نقاشی، غالباً آزمون آدمک گودیناف به ذهن خطور می‌کند. «فلورانس گودیناف در سال ۱۹۲۶ کتاب خود را که درباره اندازه‌گیری هوش به وسیله نقاشی بود، انتشار داد. این اثر به همراه تجدید نظر بعدی و بسط آن توسط هریس، منجر به شکل‌گیری نوعی سنت طولانی ارزیابی تکامل فکری از طریق نقاشی شد. فرض بنیانی آن است که نقاشی کودکان، بیان مستقیم مفهومی است که او از موضوع مورد نظر دارد. این آزمون برای غربال کردن (SCREENING) کسانی که هوش کم‌تر از حد متوسط دارند و افراد ۳ تا ۱۰ سال سودمند است.» (توماس وسیلکر، ترجمه مخبر، ۱۳۸۰، ص ۳۹) در این آزمون از کودک می‌خواهند که به ترسیم یک آدم کامل بپردازد. «آدمک‌هایی که کودک در نقاشی خود می‌کشد، آن‌طور نیستند که می‌بیند، بلکه او به گونه‌ای که آن‌ها را درک می‌کند، یا دقیق‌تر بگوییم به گونه‌ای که خود را درک می‌کند، به نقاشی آن‌ها می‌پردازد و این امر بستگی به درجه رشد و رسیدگی روانی - حرکتی او دارد. پس بدین ترتیب مفهومی که کودک از طرح بدنی خود دارد، تعیین کننده شکل بدنی آدمک در هر سن خواهد بود. از این جاست که توانسته‌اند وسیله‌ای برای ارزشیابی هوش استخراج کنند.» (کرمن، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

۳- شناخت و تحلیل مسایل عاطفی و روانی

بررسی نقاشی کودک، تنها در سطح رشد ذهنی باقی نمی‌ماند و در نگاهی دیگر می‌توان پرده از زندگی عاطفی او برداشت. تشخیص و شناسایی مسایل عاطفی و روانی کودکان که در پس خطوط و حرکات ترسیمی معنادار آنان نهفته است، یکی دیگر از ارزش‌های بیانی نقاشی کودکان است. «پژوهش‌های متعددی به تدوین نشانه‌ها، رمزگذاری و تعیین اعتبار آن‌ها پرداخته‌اند و سال‌هاست که نقاشی قدم در خانواده‌های فراقکن نهاده است.» (کرمن، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

مطابق با تعبیری از مکتب روان تحلیل‌گری، نقاشی کودکان برابر با روش تداعی آزاد بزرگسالان دانسته شده است، روشی که در کودکان قابل اعمال نیست. «منبع پیشین، ص ۲۶) از این رو به عنوان یک وسیله تشخیصی به کار گرفته می‌شود. «کودکانی که از نوعی ضایعه جسمی یا احتمالاً جنسی در رنج باشند و از صحبت کردن درباره آن شرم داشته، یا منع شده باشند، شاید

به همه کودکان باید فرصت داد تا در مدت زمان کافی، با علاقه و تمایل شخصی و استفاده از وسایل و ابزار مناسب به نقاشی کردن بپردازند. البته در بین آنان کودکانی هستند که سطح آمادگی یا استعداد فطری بالاتری دارند و مهیا بودن شرایط به شکوفا شدن استعداد این کودکان می‌انجامد.

برای استفاده از فواید و ارزش‌های نقاشی باید «کودک بتواند آزادانه به بیان پردازد. در این میان نقاشی خانواده، به ویژه، به کودک امکان می‌دهد تا تمایلات واپس زده به ناخودآگاه خویش را فرافکنی کند و از این طریق از احساسات واقعی خود نسبت به بستگانش به راحتی سخن بگوید.

احتمالاً خطرناک خواهند بود.» (توماس و سیلکر، ترجمه مخبر، ۱۳۸۰، ص ۸۳) براین اساس اقدام کودکان به نقاشی کردن و فعالیت‌های ترسیمی آنان در مسیر «هنر درمانی» قرار می‌گیرد. اصطلاح هنر درمانی در سال ۱۹۴۲ به وسیله آدریان هیل (ADRIAN HILL) هنرمند و معلم بریتانیایی وضع شد. هنر درمانی مبتنی بر این فرض است که بیان عاطفه در هنر، دارای منافع درمانی است. در هنر درمانی بیمار تشویق می‌شود در حضور درمانگر به کشیدن نقاشی (یا رنگ زدن، مدل سازی و مجسمه سازی) پردازد. یکی از اندیشه‌های نظریه روانکاوی «پالایش» است که بر طبق آن «تقابل و بیان احساسات باز داشته شده یا سرکوب شده تأثیری شفاف‌بخش دارد. به عنوان مثال، دختر بچه‌ای که رشک و خصومت سرکوب شده خود نسبت به برادر کوچک‌ترش را در یک نقاشی بیان می‌کند، از این رهگذر به نوعی رهایی از کشمکش‌ها و تنش‌های حاصل از این احساسات خواهد رسید.» (منبع پیشین، ص ۱۷۶)

استفاده از هنر درمانی برای کودکان معلول نیز می‌تواند یکی از مؤثرترین راه‌های رساندن آنان به آگاهی، ایجاد انگیزه و برقراری ارتباط با محیط باشد.

فهرست منابع

- اولیوریو فراری، آنا (۱۳۷۶): نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، تهران، انتشارات دستان.
- توماس، گلین وی و سیلکر، آنجل ام جی (۱۳۸۰): مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات طرح نو.
- کرم، ال (۱۳۷۹): نقاشی کودکان، ترجمه محمود منصور و پرچهر دادستان، تهران، انتشارات رشد.
- کرم، لوتیز (۱۳۷۳): تحلیل روان‌شناختی نقاشی کودکان، ترجمه نقایبان، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- لسک، جودیت ولسک، برایان (۱۳۷۷): درسنامه مددکاری اجتماعی و روان‌پزشکی کودک، ترجمه دکتر سید جلال صدرالسادات، ابوالفضل سعیدی و سعیدحسن زاده، تهران، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.
- مختاری، فرحناز (۱۳۷۷): روان‌شناسی نقاشی کودکان، چاپ دوم، تهران، انتشارات افاقی.
- نوری، فریده (۱۳۸۲): هنر و کودکان معلول، نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، تهران، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، شماره ۲۲ و ۲۳.
- هرینگ، ریچی (۱۳۷۶۹): آشنایی با ۲۹ فن روان‌درمانی، ترجمه دکتر احمد اعتمادی و مصطفی تبریزی، چاپ اول، تهران، انتشارات فراروان.

راحت‌تر بتوانند تجارب خود را در نقاشی بیان کنند.» (توماس و سیلکر، ترجمه مخبر، ص ۱۷۷) هم‌چنین «ترسیم خطوط ساده به جای آدم‌ها گاهی ناشی از وقفه یا بازداری عاطفی و گاهی به علت نارساخوانی است.» (کرم، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۹، ص ۶۹) این موضوع بعد محتوایی نقاشی را مطرح می‌کند که مطابق با آن، نقاشی انعکاسی از ویژگی‌ها یا نیازهای عاطفی و روانی کودکان است. «فرایند ترسیم یا ساختن، فرایندی پیچیده است که طی آن کودک اجزای گوناگونی از تجربه‌هایش را برای ساختن یک کل معنی‌دار مورد استفاده قرار می‌دهد. در این فرایند او چیزی بیش از یک تصویر یا مجسمه را ارائه می‌دهد. او بخشی از خود را به ما باز می‌نماید. این که چگونه فکر می‌کند، چگونه احساس می‌کند و چگونه می‌بیند.» (نوری، ۱۳۸۲، ص ۱۶).

۴- برون‌ریزی هیجانات و کاستن از تنش‌های درونی

بخش دیگری از ارزش‌های نقاشی، خاصیت یا اثر درمانی آن است. «در مورد انگیزه‌های نقاشی کودکان یکی از جنبه‌های مهم نظریه روانکاوی این فکر است که بیان امیال و احساسات ناخودآگاه حتی به صورتی پوشیده در یک نقاشی، دریچه اطمینانی است که امکان تخلیه بی‌زیان احساسات را فراهم می‌سازد. احساساتی که در غیراین صورت ذخیره می‌شوند و